

تجمع اعتراضی، پاسخ کارگران به بورژوازی وابسته حاکم!

سنندج مشاهده نمود. در مورد اول می بینیم که کارفرمایان شرکت نیشکر هفت تپه چهار نفر از کارگران را به بهانه "غیبت بیش از ۱۵ روز از کار" اخراج نموده است. در حالیکه اخراج شدگان به دلیل سپری کردن دوره محکومیت یکساله خود در زندان بسر می برده و به همین دلیل قادر به حضور بر سرکار خود نبوده اند. در این مورد از یک طرف ماشین سرکوب جمهوری اسلامی کارگران را به دلیل تلاش برای تشکیل سندیکای مستقل دستگیر و زندانی می کند و از طرف دیگر کارفرما به بهانه عدم حضور کارگران مزبور بر سر کار خود آنها را از کار اخراج می نماید. دور باطل مسخره ای که تنها با همیاری سرمایه دار و مقامات جمهوری اسلامی امکان پذیر شده. واقعیت این است که با بالا گرفتن موج اعتراضات کارگری بازداشت فعالین کارگری هم از طرف رژیم مدافع سرمایه داران اوج و گسترش هر چه بیشتری یافته است. در سنندج، به دنبال دستگیری های اخیر فعالین کارگری، در روز جمعه ۱۳ آذر ماه، نیروی سرکوب جمهوری اسلامی به کارگرانی که در حمایت از کارگران زندانی در "نابسر" از توابع سنندج گلگشتی سازمان داده بودند حمله نموده و ۱۴ نفر را بازداشت نمود. علت بازداشت جز این نبود که این عده در آن روز از ساعت ۱۰ صبح تا دوازده ظهر در حومه شهر جمع شده و یاد کارگران زندانی را گرمی داشته و در حمایت از سندیکای نیشکر هفت تپه سخن گفته بودند.

با توجه به واقعیت های ذکر شده در فوق می توان دید که اعتراضات کارگری در شرایطی رخ می دهد که روزی نیست که از یک طرف کارفرمایان با توسل به ترغیب های گوناگون کارگران را اخراج نکنند و از طرف دیگر رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی در دفاع از منافع سرمایه داران به بگیر و ببند کارگران نپردازد. اما شرایط زندگی کارگران واقعیت بس دهشتناک تری است که باعث می شود که کارگران مبارز ما علیرغم همه دشواری شرایطی که سرمایه داران و دولت حامی شان برای آنها بوجود آورده راه درست مقابله با این وضع را به درستی در مبارزه برای تحقق خواسته های عادلانه شان جستجو کنند. در صفحه ۲

تشدید روز افزون اعتراضات کارگری یکی از نتایج طبیعی تعمیق روزمره بحرانی است که تار و پود نظام اقتصادی ایران را فرا گرفته است. اما توجه به این واقعیت که بخش بزرگی از این اعتراضات جهت دریافت دستمزدهای معوقه صورت گرفته و یا می گیرد خود افشاگر چهره کرپه بورژوازی وابسته حاکم بر ایران است که به هر وسیله ای متوسل می شود تا بار بحرانهای ذاتی نظام اقتصادی خود را بر دوش کارگران سرشکن نماید. عدم دریافت دستمزد و بیکاری های متوالی در عین حال از شرایط دهشتناک معیشت کارگران خیر داده و پرده از توازن قوایی بر می دارد که شدیداً به ضرر طبقه کارگر چرخ خورده است. در چنین شرایطی روزی نیست که کارگران کارخانه ها و واحد های تولیدی در اعتراض به عدم پرداخت حقوقشان دست به تجمع اعتراضی زده باشند و این در حالی است که صاحبان کار جهت جلوگیری از تجمعات اعتراضی کارگری به هر ترفندی متوسل می شوند. برای نشان دادن یک نمونه از آن ترفند ها می توان مورد اخیر کارگران نساجی مازندران را ذکر کرد. کارگران این کارخانه که خود یکی از کارخانه های بزرگ نساجی در کشور می باشد در اوائل آذر ماه به دلیل عدم دریافت ۲ ماه حقوق اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل دفتر نساجی مازندران کردند. اما مدیران ذریبط تهدید کردند در صورت ادامه اعتراضات در اولین گام کارگران قراردادی این شرکت را فوراً اخراج خواهند کرد. این تهدید در شرایطی مطرح شده که حدود ۳۰۰ نفر از ۹۰۰ کارگر مشغول به کار در نساجی مازندران بصورت قراردادی مشغول به کار هستند و کارفرما قادر است هر لحظه که بخواهد قرارداد آنها را فسخ و "فانونا" آنها را بیکار سازد.

در چنین شرایطی است که رژیم جمهوری اسلامی نیز به مثابه رژیم حافظ سیستم سرمایه داری وابسته در ایران به کمک کارفرمایان شتافته و با حمله به تجمعات کارگری و با بگیر و ببند آنان راه را هر چه بیشتر برای تسهیل استثمار وحشیانه کارگران توسط سرمایه داران هموار می سازد. نمونه ای از این واقعیت را می توان در ارتباط با کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و فعالین کارگری در

چگونه دولت بوش شرایط فرار "بن لادن" را مهیا نمود!

مجلس سنای آمریکا با انتشار گزارشی تأیید نمود که در دسامبر ۲۰۰۱ و در جریان یورش آمریکا به افغانستان دولت بوش در شرایطی که رهبر القاعده "اسامه بن لادن" کاملاً در دسترس نیروهای نظامی آمریکا در این کشور قرار داشت از اقدام جهت دستگیری وی خود داری کرده و به وی اجازه داده است تا در منطقه کوهستانی "نورابورا" در این کشور ناپدید گردد. این گزارش بر مبنای تحقیقی ارائه شده که به درخواست سناتور جان کری نامزد انتخاباتی دموکراتها و رقیب انتخاباتی بوش در دور اول ریاست جمهوری صورت گرفته و اخیراً در روزنامه "نیویورک دیلی نیوز" منتشر شده است. گزارش مزبور نشان می دهد که ادعای کسانی که در تمام این سالها دولت بوش را به از دست دادن عمدی فرصت جهت دستگیری بن لادن متهم می کردند نادرست نبوده است. بر اساس این گزارش در حالیکه نیروهای نظامی آمریکا به بن لادن نزدیک شده و منتظر دستور دستگیری وی بودند این دستور هرگز از سوی دولت بوش صادر نشد. در این گزارش موضوعی که با برجستگی عیان است تئیدگی روابط بن لادن با محافل پر نفوذی در آمریکا می باشد، محافلی که از قاجحه تروریستی ۱۱ سپتامبر و لولوی خطر "تروریسم" و خلاصه از وجود "بن لادن" و "القاعده" بیشترین سود را می برند. کسی فراموش نکرده است که دولت آمریکا در دوره بوش با ادعای دستگیری بن لادن، رهبر سازمان "القاعده" و ریشه کن نمودن "تروریسم"، افغانستان را آماج حملات وحشیانه ارتش خود قرار داد. در حالی که اکنون آشکار می شود که علیرغم همه آن ادعا ها و تبلیغات فریبکارانه، دولت بوش در واقع خواهان دستگیری بن لادن نبوده و نیست. برعکس دولت آمریکا با این ادعا مشغول پیشبرد سیاستهای استراتژیک خود برای گسترش حضور نظامی در منطقه و همچنین دامن زدن به فضای میلیتاریسم و سیاستهای جنگ طلبانه بوده و می باشد.

در همان زمان چریکهای فدایی خلق با تحلیل سیر رویداد ها در آمریکا و افغانستان اعلام کردند که "نیرو های مشوق و پوشش دهنده" واقعه تروریستی ۱۱ سپتامبر هیچ نیروئی "جز محافلی قدرتمند در خود آمریکا نبوده اند". در صفحه ۲



ایران امکان داده است که کارگران را بر سر دو راهی بیکاری و تبعات دهشتناک الزامی اش یا کار با حقوق در واقع "بخور و نمیر" و "گاه و بیگاه" نگاه دارد. به طور کلی پراکندگی صفوف کارگران که در مقابله کارگران با سرمایه دارن حکم پاشنه آشیل را برای آنها دارد، در شرایط و جود بحرانی که تورم و رکود توامان از جلوه های بارز آن می باشد و موجب ورشکستگی کارخانجات و خوابیدن تولید و در نتیجه باعث بوجود آمدن ارتش بزرگی از بیکاران به منابه ارتش ذخیره کار گردیده، کارت برنده ای در دست بورژوازی وابسته حاکم است. عدم وجود حتی حداقل تشکیلات صنفی مستقل طبقه کارگر به این بورژوازی امکان مانور بزرگی به نفع خود داده و توازن قوا را به ضرر طبقه کارگر چرخانده است. در چنین شرایطی تشدید اعتراضات کارگران و مبارزه برای پرداخت دستمزدهای معوقه، عملاً کارگران هر واحد تولیدی را به تجمع اعتراضی کشانده و حدی از روابط مبارزاتی را بین آنها شکل می دهد. این امر بطور طبیعی رابطه تنگاتنگی با متشکل شدن کارگران جهت فریاد مطالبات بر حق شان را دارد. مسلم است که در صورتیکه کارگران قادر شوند خود را سازمان داده و در صفی متشکل و زیر پرچمی انقلابی به اعتراض بر خیزند جانی برای شلنگ تخته انداختن کارفرمایان بی همه چیز باقی نخواهد گذاشت. تجربه نشان داده که وحدت و تشکیلات چاره رنجبران می باشند و درست به این خاطر است که سرمایه داران و دولت حامی شان یعنی جمهوری اسلامی شدیداً از متحد شدن کارگران و دستیابی آنان به یک تشکیلات مبارزاتی هراسان و بیمناک می باشند. امروز کارگران ایران در جریان مبارزات خود بخودی خویش ضرورت و اهمیت تشکل و قدرت کارگر متشکل در مقابل کارفرمایی که به اشکال مختلف با کارفرمایان دیگر متحد شده و بر علیه کارگران عمل می کند را بیش از پیش درک می کند و می کوشد در جهت غلبه بر این معضل گام بردارد. اما این واقعیت غیر قابل انکار است که در شرایط کنونی، دیکتاتوری بزرگترین عامل جلوگیری کننده از تشکل کارگران حتی به صورت صنفی آن است. دیکتاتوری ای که خود از سلطه یک رژیم وابسته به امپریالیسم در جامعه ما نشأت می گیرد و بدون از بین بردن شرایط وابستگی یعنی نابودی سیستم سرمایه داری وابسته در ایران دیکتاتوری از جامعه ما رخت بر نخواهد کند. بر این مبناست که مبارزه کارگران ایران با سرمایه داران با مبارزه بر علیه شرایط سلطه دیکتاتوری لجام گسیخته جمهوری اسلامی و با امر مبارزه برای سرنگونی این رژیم ضد کارگری در هم تنیده شده است.

برای درک حد وضع وخیم شرایط کار و زندگی کارگران کافی است به همین واقعیت توجه کنیم و ببینیم که کارگران ما در شرایطی مجبورند برای دریافت دستمزد های معوقه که گاه تا ۴۸ ماه را شامل می شود دست به تجمع اعتراضی بزنند که به خوبی می دانند هر اعتراضی فوراً باعث اخراج کارگران معترض از طرف کارفرمایان شده و علاوه بر این اعتراضات آنان نیز از طرف رژیم وحشیانه سرکوب می شود. به گزارش نهاد های دولتی خط فقر مطلق در شهر تهران در سال ۸۸، در آمد ۸۵۰ هزار تومان در ماه بوده است. حال اگر در نظر بگیریم که میانگین حقوق کارگران ماهی ۳۰۰ هزار تومان می باشد، می توان به ابعاد باور نکردنی شرایط معیشت کارگران در زیر خط فقر پی برد. خط فقری که در شرایط بیکاری به "خط بقا" تبدیل شده و حیات کارگر و خانواده اش را آماج یورش مرگبار خودفرار می دهد. با توجه با بالا بودن هزینه های زندگی، کارگران حتی در صورتیکه دستمزدهایشان را به موقع هم دریافت کنند در شرایط موجود قادر به تأمین یک زندگی حداقل برای خانواده خود نمی باشند. اتفاقاً کارفرمایان با علم به این واقعیت باز از پرداخت حقوق آنها آنهم برای ماهها خود داری می کنند. در چنین شرایطی وقتی می بینیم که کارگران مجبورند که علیرغم همه برخوردهای ظالمانه کارفرمایان باز تن به کار داده و در همان حال برای دریافت حقوق های معوقه مبارزه کنند، می توانیم شرایطی که طبقه استثمارگر حاکم با کمک دولت حامی خود برای کارگران آفریده است را تا حدی تصور و درک نماییم.

شکی نیست که واقعیت های روزمره زندگی به کارگران ایران آموخته است که رژیم جمهوری اسلامی رژیم مدافع سرمایه داران و حافظ منافع آنان است و چگونه این رژیم دست در دست کارفرمایان از تشکل آنان جلوگیری می نماید. امری که در شرایط کنونی باعث شده است که کارفرمایان با خیال راحت و با دستی باز با شدتی هر چه تمامتر به استثمار کارگران پرداخته و هر موقع لازم ببینند آنها را اخراج کنند، یا تا هر زمان که لازم ببینند پرداخت دستمزدهایشان را به تعویق بیندازند و یا حتی همه و یا بخشی از آن دستمزدها را به جیب بزنند. **شرایط اختناق ناشی از سلطه دیکتاتوری رژیمی که سراپا وابسته به امپریالیسم می باشد و عدم امکان تشکل کارگران و پراکندگی صفوف آنان، امروز به بورژوازی**

مزایای جام جهانی فوتبال برای زحمتکشان آفریقای جنوبی!

این روزها تبلیغات پر زرق و برقی در سراسر دنیا در ارتباط با قرعه کشی مسابقات فوتبال جام جهانی که قرار است در تابستان آینده در آفریقای جنوبی برگزار شود، جریان دارد؛ و درست در همین حال فشاری که بخاطر تدارکات این بازیها بر سر اقشار زحمتکش و بی خانمان آفریقای جنوبی وارد می شود طبق معمول در زرق و برق تبلیغات رسمی و حکومتی کم شده است. تمامی وسایل ارتباط جمعی بویژه در غرب، برنامه های متعددی را در ارتباط با کشور آفریقای جنوبی و تدارکات وسیعی که مقامات این کشور برای برگزاری مجلل این بازیها در دست انجام دارند، پخش می کنند. مسابقات فوتبال جام جهانی معمولاً بدلیل این که موجب جذب وسیع توریستها و تماشاگران و هواداران فوتبال به کشوری می شود که آن مسابقات در آنجا برگزار می گردد، میلیاردها دلار نصیب برگزار کنندگان آن می کند. درست به این خاطر است که برگزارکنندگان این تورنومنت ها که کسانی جز دولتهای بورژوازی و کمپانی ها و شرکتهای وابسته به آنها نیستند، در این راه به هر تلاشی دست می زنند. در ارتباط با تورنومنت اخیر نیز دولت آفریقای جنوبی برای هموار کردن راه جهت کسب سود هر چه بیشتر به نفع کمپانی های ذیربط دست به اقدامات متعددی زده است. در همین رابطه است که نیروی پلیس سرکوبگر آفریقای جنوبی ماه هاست که در شهرهای برگزار کننده این مسابقات نظیر "کیپ تاون" بجان توده های زحمتکش و گرسنه و بی خانمان افتاده است. پلیس برای حفظ ظاهر "آبرومند" برای این تورنومنت مردم زحمتکش را از حلیی آباد ها و محل های زیستشان در نقاط مرکزی شهر و نزدیک استادیومها و هتلها بیرون انداخته و آنها را به نقاط حاشیه ای شهر و مناطقی روان می کنند که شرایط بمراتب وحشتناکتری دارند. توده های بی خانمان توسط پلیس "کیپ تاون" دستگیر شده و پس از تحمل آزار و اذیت به کمپهای کثیف و فاقد هر گونه امکانات ابتدایی برای زیست در خارج از شهر منتقل می شوند. مطابق گزارش خیر گزار "آسوشینتد پرس" نیروهای پلیس در توجیه این اقدام ضد خلقی خود وقیحانه مطرح می کنند که مشغول "پاکسازی" خیابانها به خاطر برگزاری مسابقات جام جهانی هستند و به این ترتیب نشان می دهند که از نظر دولت و طبقه ارجحی حاکم هزاران تن از بی خانمانها و گرسنگان و بی سرپناهان از نظر آنها انکار "اشغالهایی" هستند که بخاطر سودجویی و حفظ ظاهر حکومت باید از سطح شهر جمع آوری شوند و بدون در نظر گرفتن کمترین امکانات ابتدایی لازم برای زیست شان به خارج شهر و کمپ های تعیین شده دور از چشم عموم روان شوند. به گزارش خبرنگار خیر گزار "آسوشینتد پرس"، "اسحاق لوییس" یک بی سرپناه ۴۱ ساله که تقریباً در تمامی عمر خود بی خانمان بوده ضمن شکایت از تشدید وحشیگری و فشار پلیس به خبرنگار مذکور مطرح کرد که در ایام مقارن با قرعه کشی مسابقات، او حداقل ۶ بار از سوی پلیس دستگیر و به بیرون شهر فرستاده شده در حالی که پیش از برنامه این مسابقات کسی کاری به او نداشت! مقامات آفریقای جنوبی از سال ۲۰۰۸ با برپا کردن کمپهایی در خارج شهر شروع به تخلیه اجباری بی خانمانان از ساختمانهای متروکه در سطح شهر و از سطح خیابانها کرده و با وعده دادن سرپناه آنها را به این کمپها فرستاده اند. وضعیت این کمپها بسیار دهشتناک و غیر قابل توصیف است، تا آنجا که بطور مثال در کمپ موسوم به "بیلیکس دراب" که برای اسکان ۶۵۰ تن ساخته شده، هر ۴ خانه دارای تنها یک توالت عمومی و یک شیر آب است ولی هم اکنون ۱۲۵۲ نفر در سخت ترین شرایط در این کمپ زندگی می کنند. یکی دیگر از نتایج اخراج بی خانمانان و زحمتکشان از داخل شهر به این امکان این است که آنها بدلیل دوری مسافت و عدم استطاعت مالی برای خرید بلیط قطار، امکان ورود به شهر برای یافتن کار را نیز از دست داده و هر چه بیشتر در گرداب فقر و گرسنگی غرق می شوند. این سیاست ضد مردمی در شرایطی از سوی حکومت به اصطلاح دمکراتیک آفریقای جنوبی در پیش گرفته شده است که بیش از یک چهارم کل نیروی کار این کشور بیکار بوده و میلیونها تن در زیر خط فقر زندگی می کنند.



پاکستان و سرانجام به مرزهای هندوستان کشیده شده است". او سپس تاکید کرد که نیروهای انقلابی و خلقهای تحت ستم برای گسترش مبارزه برای برانداختن ستم و استثمار و سرکوب باید هر چه بیشتر با یکدیگر متحد شده و مبارزه خود برای نابودی امپریالیسم و برقراری سوسیالیسم را شدیدتر کنند. چرا که تنها راه نجات مبارزه برای نابودی امپریالیسم و برقراری سوسیالیسم است.

سخنان سخنرانان با استقبال و تشویق چشمگیر جمعیت حاضر روبرو شد. بدنبال سخنرانی نوبت به هنرمند مبارزی از آمریکای لاتین رسید که با گیتار خود چندین ترانه سرود انقلابی از جمله آهنگ "چه گوارا" و "ویکتورخارا" را اجرا کرد. وی تاکید کرد که برغم آن که ترانه سرودهای او به زبان اسپانیایی هستند اما پیام و محتوای آنها یک پیام مبارزاتی و بیانگر آلام و دردها و رنجها و مبارزات تمامی خلقهای تحت ستم برای رسیدن به آزادی می باشند. برنامه این هنرمند مبارز با فریادهای تشویق ممتد جمعیت و قدردانی آنها روبرو شد.

در بخش دوم برنامه شب همبستگی هنرمند جوانی از ترکیه نیز با آوای گیتار خود به هنرنمایی پرداخت و چند ترانه سرود مبارزاتی به زبانهای کردی و ترکی اجرا نمود. در بخش پایانی مراسم شب همبستگی بین المللی با زندانیان سیاسی یک فیلم مستند به نام Lalgar که منعکس کننده گوشه ای از وضعیت کار و زندگی و مبارزات توده های رنج کشیده و محروم ولی دلیر هندوستان بود به نمایش درآمد که در آن به جنایات دولت و ارتش ضد خلقی هند بر علیه مردم ستمدیده و مقاومت و مبارزات آنها اشاره شده بود.

مراسم شب همبستگی بین المللی با زندانیان سیاسی مراسم مبارزاتی بسیار موفقی بود که نه تنها جلوه ای از اتحاد مبارزاتی و آرمانهای مشترک طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم دنیا در مبارزه مشترکشان بر علیه امپریالیسم و نظام سرمایه داری و تمامی جلوه های ارتجاعی آن را به نمایش گذارد بلکه تصویری واقعی از مساله زندانیان سیاسی در ایران و جنایات رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در حق زندانیان سیاسی و خانواده های آنان و مردم ستمدیده ما را بگونه ای موفقیت آمیز در میان توده ها و مبارزین سایر کشورها منعکس نمود.

مراسم شب همبستگی بین المللی با زندانیان سیاسی توسط احزاب و نیروهای زیر سازمان یافته بود:

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران- لندن
کمیته بین المللی همبستگی با زندانیان سیاسی (UPOTUDAK)

سازمان دمکراتیک ضد امپریالیستی ایرانیان در انگلستان
انجمن کارگران هندوستان- بریتانیا (IWA-GB)
مهاجرین بین المللی (اتحاد مهاجران فیلیپینی)
کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی آزاده (OTDK)
دوریمچی دمکراسی (نشریه دمکراسی انقلابی) ترکیه
حمایت کنندگان:

مرکز همبستگی با مهاجرین بین المللی - لندن
لیگ بین المللی مبارزات خلقها

فعالین چریکهای فدایی خلق در لندن
۲۹ نوامبر ۲۰۰۹

ایران: سخنران بعدی به مساله زندانیان سیاسی در ایران تحت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی پرداخت. او با ستایش از مقاومت انقلابیون کمونیست و مبارزی که در طول سالها سلطه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بدست دژخیمان این رژیم در سیاهچالها جان باختند، تاکید کرد که تنها در سال ۶۷ هزاران تن از بهترین فرزندان کارگران و خلقهای تحت ستم ایران بدستور مستقیم خمینی جلاد در عرض چند ماه اعدام شدند و به این ترتیب دشمن در هراس از رشد یابی جنبش توده ها، نسلی از آگاهترین فرزندان مبارز این سرزمین را به خاک و خون کشید. سخنران در ادامه صحبتهای خود به جنبش توده ای اخیر و این که برغم تبلیغات امپریالیستی، خواست سرنگونی جمهوری اسلامی ضد خلقی خواست اساسی توده های به پا خاسته در این جنبش است پرداخت و حمایت های آشکار و پنهان دولتهاک امپریالیستی از نظام جمهوری اسلامی و جا زدن موسوی جنایتکار در نقش به اصطلاح "رهبر" توده ها را افشا نمود. وی در پایان سخنرانی از تمامی نیروها و احزاب مترقی و آزادیخواه که برغم تبلیغات فریبکارانه و ارتجاعی، با حمایت از جنبش حق طلبانه مردم به پا خاسته و نیروهای کمونیست و انقلابی ایران صدای واقعی جنبش ضد امپریالیستی دمکراتیک توده های تحت ستم ایران بر علیه امپریالیسم و ارتجاع را پژواک داده اند تشکر کرد.

هندوستان: آخرین سخنران مراسم شب همبستگی بین المللی با زندانیان سیاسی به تشریح وضعیت زندانیان سیاسی در هندوستان و مبارزات آنها پرداخت. وی با تاکید بر این که افتخار می کنم که امشب در میان شما هستم تا برای رساندن صدای زندانیان سیاسی در تمام کشورها تلاش کنیم" یاد ۱۸۰۰۰ زندانی سیاسی قتل عام شده توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در سال ۶۷ را پاس داشت و سپس به تشریح اوضاع جاری در هندوستان پرداخت. او متذکر شد که برغم این که در تبلیغات امپریالیستی از هندوستان به عنوان "بزرگترین دمکراسی" اسم برده می شود، سیاهچالهای این دولت با اصطلاح دمکراتیک انباشته از هزاران زندانی سیاسی ست و هندوستان یکی از بزرگترین ارقام زندانیان سیاسی را داراست. وی اضافه کرد که دولت هند "زندانی سیاسی" را اساسا به رسمیت نمی شناسد و از تمام آنها به عنوان "جنایتکار" و "زدهکار" نام می برد. در حالی که این با اصطلاح جنایتکاران کسانی جز توده های زحمتکش و تحت ستم، فعالین صف مقدم جنبشهای ملی و ضد امپریالیستی در هندوستان، مبارزین جنبشهای توده ای و انقلابیونی نیستند که برای آزادی و کسب حقوق مردم خود به پا خاسته اند. سخنران سپس با اشاره به اوضاع جاری و بحران کنونی در هندوستان از لشکرکشی وسیع ارتش ضد خلقی هند به مناطق روستایی این کشور و کشتار و اذیت و آزار توده های محروم این مناطق و تلاش برای تصرف زمینهای آنان و نابودی حیات و معیشتشان خبر داد و اضافه کرد که هم اکنون دولت هند برای برآوردن منافع انحصارات امپریالیستی و همچنین برای درهم شکستن جنبش انقلابی توده ای مردم این کشور بر علیه رژیم ضد خلقی هندوستان در صدد سازمان دادن یک برنامه وسیع برای کشتار و قلع و قمع توده های محروم در بخشهایی از هندوستان است. وی همچنین با افشای سیاستهای ضد خلقی امپریالیستها در حمایت از جنایات دولت هند و بویژه سیاستهای دولت اوپاما اضافه کرد که " دولت اوپاما با وعده صلح و دمکراسی و مخالفت با جنگ روی کار آمد اما در واقع در اثر سیاستهای امپریالیستی این دولت دامنه جنگ از افغانستان و عراق به

چگونه دولت بوش.... از صفحه ۱

اکنون بر مبنای بسیاری از اسناد منتشره و از جمله گزارش فوق می توان دید که آن تحلیل از اوضاع درست بوده و خود واقعیت امروز نیز نشان می دهد که "تروریسم" دستاویز گسترش سلطه امپریالیسم می باشد. درست است که شروع کننده جنگ در افغانستان دولت بوش بود ولی واقعیت این است که سیاستهای جنگی دولت بوش در واقع منعکس کننده سیاستهای کل طبقه حاکم در امریکا بوده و می باشد بطوری که با توجه به منافع و مصالح گسترش هر چه بیشتر سلطه امپریالیسم در خاورمیانه امروز هم می بینیم که علیرغم همه ادعا ها و تبلیغات دروغین دولت اوپاما مبنی بر اینکه دولت بوش امریکا را وارد ماجراجویی هائی نموده که به نفع مصالح این کشور نمی باشد اما در عمل این دارو دسته نیز همچون دارو دسته بوش بر طبل جنگ در افغانستان کوبیده و به بهانه سرکوب قطعی طالبان قصد دارد نیرو های نظامی امریکا در این کشور را افزایش دهد. در همین رابطه دولت اوپاما چند روز پیش اعلام نمود که قصد دارد بیش از ۲۰ هزار سرباز دیگر را به افغانستان اشغالی اعزام کند و به این ترتیب شمار نیرو های نظامی امریکا در این کشور به بیش از صد هزار نفر خواهد رسید، یعنی ۲ برابر دوره ریاست جمهوری بوش. دولت امریکا فریبکارانه مدعی است که دلیل عدم نابودی طالبان و پیشرویهای آن در سالهای اخیر کمبود نیروی ارتشهای متجاوز بوده و با افزایش نفرت ارتش امریکا در افغانستان این ارتش صد هزار نفری به نمایندگی از بزرگترین قدرت نظامی جهان قادر خواهد بود طالبان و القاعده را سرکوب و ثبات و آرامش را به افغانستان بازگرداند. این همان ادعائی است که ۸ سال پیش امریکا به بهانه آن افغانستان را آماج تعرض امپریالیستی خود قرار داد. و امروز همگان به عینه می بینند که چنین هدفی نه تنها متحقق نشده بلکه حتی در خود طبقه حاکمه امریکا هم کسانی علنا آنها دست نیافتنی قلمداد می کنند.



گزارشی از مراسم شب همبستگی بین المللی با زندانیان سیاسی در لندن

روز شنبه ۲۸ نوامبر ۲۰۰۹ در یک اقدام متحدانه بین المللی از سوی نیروهای انقلابی و مبارز ایران، ترکیه، هندوستان، آمریکا و برزیل مراسم پرشکوهی در دفاع از زندانیان سیاسی با شعار مرکزی "برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی در جهان متحد شویم!" در لندن برگزار شد.

در این مراسم که با شرکت بیش از ۱۵۰ نفر در سالن کتابخانه مرکزی منطقه "ایزلینگتون" برگزار شد، سخنرانانی از سوی احزاب و نیروهای انقلابی و آزادیخواه در کشورهای نامبرده، به تشریح وضع زندانیان سیاسی در کشور خود پرداخته و تصویری از مبارزات و مقاومت‌های زندانیان سیاسی بر علیه رژیم‌های سرکوبگر حاکم را در اختیار حاضران در این مراسم قرار دادند. سالن محل برگزاری مراسم با تصاویری از کمونیستها، مبارزین و آزادیخواهان ایرانی و هندی و ترک و آمریکایی ... (و از جمله تصاویر رفیق بهروز دهقانی، صمد بهرنگی، حیدر عمواعلی، سعید سلطانیپور، خسرو گل‌سرخ) تزئین شده بود که این ابتکار مبارزاتی جلوه ای از روحیه انترناسیونالیستی و آرمانهای مشترک توده های تحت ستم را به نمایش می گذاشت.

مراسم با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد تمامی جانباختگان راه سوسیالیسم و آزادی شروع شد و بدنبال آن پیام کوتاهی از سوی کمیته برگزار کننده این مراسم قرائت شد. در این پیام با اشاره به سابقه برگزاری این مراسم از سال ۲۰۰۰ مطرح شده بود که مراسم شب همبستگی با زندانیان سیاسی نخستین بار به ابتکار رفقای ایرانی با هدف بزرگداشت یاد هزاران زندانی سیاسی قتل عام شده در سال ۶۷ بدست رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی برگزار شد. بدنبال وقایع سال ۲۰۰۳ و قتل عام زندانیان سیاسی در ترکیه توسط رژیم فاشیست حاکم بر این کشور، مراسم همبستگی با زندانیان سیاسی به یاد تمامی اسرای مبارز و انقلابی در ایران و ترکیه سازمان یافت و به تدریج این اتحاد عمل با پیوستن سایر نیروهای آزادیخواه از کشورهای دیگر نظیر فیلیپین و هند و ... جنبه ای بین المللی یافت.

در بخش بعدی برنامه سخنرانانی از سوی جنبش انقلابی و آزادیخواهان ترکیه، ایران، برزیل، هندوستان و آمریکا به نوبت به تشریح وضعیت زندانیان در کشورهای خود و بویژه زندانیان سیاسی و مبارزات و مقاومت‌های آنها در مقابل سیستم امپریالیستی پرداختند که در زیر خلاصه ای از صحبت‌های آنها درج می شود:

برزیل: سخنران برزیلی مراسم با توضیح این واقعیت که برزیل به لحاظ تعداد زندانیان، هشتمین کشور دنیاست، اضافه کرد که این کشور رسماً ۴۵۰ هزار زندانی دارد که در میان آنها بخش قابل توجهی از زحمتکشان و دهقانان فقیر قرار دارند که صرفاً بدلیل مبارزه برای حفظ زمینهایشان از دست فئودال‌های بزرگ و دولت حامی آنها توسط دولت دستگیر و در بدترین شرایط در زندانهای برزیل به سر می برند. او با اشاره به نفوذ عمیق امپریالیستها در ساختار اقتصادی - سیاسی حاکم بر برزیل تأکید کرد که سرکوب شدید در جامعه برزیل - که وضعیت زندانیان تنها یکی از جلوه های آن می باشد- ارتباطی مستقیم با سلطه دیکتاتوری امپریالیستها و مرتجعین حاکم بر برزیل دارد.

آمریکا: سخنران آمریکایی مطرح کرد که دولت آمریکا که در تبلیغات از آن به مثابه سمبل "دمکراسی" و "آزادی" در جهان سرمایه داری نام برده می شود، دو و نیم میلیون زندانی دارد که در شرایط بسیار وخیمی در زندانها به سر می برند. در زندانهای این کشور شکنجه های جسمی و روحی و فشار بر زندانیان به اشکال مختلف جریان دارد و بطور مثال در برخی زندانها، زندانبانان تنها هر ۶ روز یکبار یک ساعت اجازه هواخوری به زندانیان را می دهند. او سپس تأکید خود را بر وضعیت زندانیان سیاسی آمریکا گذارد و اضافه کرد که در آمریکا آمار رسمی حاکی از وجود صد ها زندانی سیاسی ست که بجرم مخالفت با سیستم استثمارگرانه سرمایه داری و دفاع از جنبشهای آزادیخواهان سیاه پوستان، جنبش ضد جنگ، ضد نژادپرستی و ... از دهه ۶۰ میلادی تاکنون بدلیل مخالفت با سیستم امپریالیستی حاکم، در زندان به سر می برند و برغم آن که برخی از آنها در سنین ۷۰ تا ۸۰ سالگی هستند دولت آمریکا اجازه آزادی آنها را نمی دهد. سخنران سپس به وضع دو تن از زندانیان سیاسی آمریکا یعنی "مومیا ابوجمال" و "لئونارد یارته" اشاره کرد و تأکید کرد که دولت اوپاما نیز که با ژست احترام به "دمکراسی" و "حقوق بشر" به میدان آمده بدلیل سیاستهای نژادپرستانه سیستم امپریالیستی حاکم بر آمریکا برغم تمامی اعتراضات بین المللی و برغم اثبات بیگناهی مومیا ابوجمال در صدد تکمیل پروسه حقوقی اعدام ناعادلانه مومیاست.

در صفحه ۳

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

آدرس پست الکترونیک: ipfq@hotmail.com

پیروز باد انقلاب! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد کمونیسم!

